

## ایران و خاورمیانه: انتخاب‌های دشوار و موضوعیت واقع گرایی

سعیده لطفیان \*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۶/۱۲/۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۷/۳/۲۰)

### چکیده:

یکی از اهداف اصلی این پژوهش مطالعه روابط متقابل جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همجوار و نزدیکی در خاورمیانه و سایر بازیگران دولتی و غیردولتی فعال در محیط پیرامونش می باشد. از زمان وقوع انقلاب تاکنون روابط ایران با ترکیه و پاکستان در چارچوب اکو اغلب دوستانه، با افغانستان در دوران طالبان و با عراق در دوره حکمرانی رژیم بعثی صدام حسین بسیار خصمانه بود. روابط ایران با همسایگان جنوبی خود در حاشیه خلیج فارس به غیر از قطر و تا حدی نیز عمان و کویت در نیمه نخست این دوره زمانی ناآرام و بحران زا توصیف می شود. در فاصله جغرافیایی دورتر، همکاری نزدیک ایران با سوریه و گروه های زیرمیلی فعال در لبنان و فلسطین اشغالی (مانند حزب الله، و حماس) با اهمیت استراتژیک تعریف می شود. در حالی که مخالفت آشکار ایران با مواضع و سیاست های اسرائیل در قبال مساله فلسطین و با حضور نظامی نیروهای این دولت در جنوب لبنان از یک سو، و تداوم دشمنی نومحافظه کاران امریکایی با ایران به دلیل ماهیت ملی گرایی اسلامی و انتقاد مقامات ایرانی از سیاست های گسترش طلبانه واشنگتن از سوی دیگر به درگیری های لفظی و بحران های سیاست خارجی حادی منجر شده است.

### واژگان کلیدی:

ایران - خاورمیانه - سیاست خارجی - نو واقع گرایی - امنیت منطقه ای

## مقدمه

این نوشتار بخشی از پژوهشی جامع در مورد اولویت‌ها، اهداف و محتوای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. فرض بر این است که برای شناخت و درک کامل رفتارهای سیاست خارجی ایران و تحلیل پیامدهای ملی و منطقه‌ای آنها باید به پرسش‌های بی‌شماری پاسخ داده شود. گلچینی از مهم‌ترین این پرسش‌ها در نمودار ۱ در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شوند. سطح تحلیل منطقه‌ای برای مطالعه رفتار سیاست خارجی ایران برگزیده شده زیرا ایران یکی از قدرت‌های مهم خاورمیانه بشمار می‌آید. در واقع، سه سطح کلی در مطالعات سیاست بین‌المللی و روابط خارجی کشورها شناسایی شده‌اند: ۱- سطح ابرقدرت‌ها که کشورهای دارای نفوذ اقتصادی، نظامی یا سیاسی در تمام مناطق جهان را در بر می‌گیرد؛ ۲- سطح قدرت‌های بزرگ که به کشورهایی مربوط می‌شود که نفوذشان در بیش از یک منطقه جغرافیایی مهم آشکار است؛ و ۳- سطح قدرت‌های منطقه‌ای شامل کشورهایی مانند ایران است که تنها در یک منطقه جغرافیایی نفوذ و فعالیت دارند (Pearson, 1972, p. 75).

از جنگ جهانی دوم تاکنون، موقعیت نسبی ایران به دو دلیل زیر مهم‌تر شده است: ۱- ارزش ژئواستراتژیک برگرفته از نزدیکی جغرافیایی به شوروی و درگیر شدن در رقابت قدرت‌های بزرگ؛ ۲- منابع ملی استراتژیک، دارا بودن منابع انرژی پراهمیت برای مصرف‌کنندگان نفت و گاز در آمریکا و اروپا. ایران مانند شمار محدودی از کشورهای در حال توسعه می‌تواند نقش‌هایی مهم را در فرآیندهای امنیتی در سطوح منطقه‌ای و حتی جهانی که پیشتر تنها در حوزه فعالیت‌های قدرت‌های بزرگ قرار داشت، ایفا کند. به طور نمونه، ایران می‌تواند نقش محدودکننده یا تسهیل‌کننده برای دسترسی مورد نیاز سایر کشورها به منابع استراتژیک (مانند نفت و قلمرو) داشته باشد؛ به عنوان مسیر انتقال کمک‌های نظامی (شامل اسلحه و وجوه نقد) از کشوری به کشوری دیگر عمل کند، یا مبادرت به ارسال سپاه، داوطلب و مستشار نظامی به کشور یا گروه زیر ملی درگیر جنگ از سوی خود و یا هم‌پیمانانش نماید، و به نوعی تامین مالی بخشی از فعالیت‌های دفاعی سایرین را بر عهده بگیرد. هر چه ایران در این فرآیندهای امنیتی خاورمیانه فعالیت بیشتر داشته باشد، فرصت بهتر برای تعیین پیامدهای جنگها و درگیری‌های مسلحانه در منطقه و جهان را خواهد یافت. ایران در تلاش است تا با کمک به گروه‌های ضد اسراییلی حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله مانع از حملات دولت یهودی علیه قلمروی ایران شده؛ و در صورت شکست سیاست بازدارندگی و وقوع حمله بتواند با ضربه‌های انتقامجویانه به کمک هم‌پیمانان منطقه‌ایش از گسترش جنگ جلوگیری

کرده، و به تهاجم نظامی علیه ایران پایان دهد. از سوی دیگر، ایران با کمک گسترده به روی کارآمدن یک دولت مستقل و مردم‌سالار در بغداد امید دارد که از تبدیل شدن عراق به دشمن ایران و متحد نظامی امریکا ممانعت به عمل آورد.

در چند سال اخیر پنج پدیده مهم (انقلاب ایران، جنگ ایران و عراق، فروپاشی شوروی، حمله عراق به کویت و در پی آن جنگ دوم خلیج فارس و حضور نظامی امریکا در افغانستان و عراق) سبب تغییر روابط متقابل کشورهای منطقه و روابط آنها با قدرت‌های بزرگ شده است (Morris, 1993, p. xii). ما می‌توانیم رفتار سیاست خارجی کشورهای عضو در یک نظام منطقه‌ای متشکل از N بازیگر را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی کنیم، و نیازی به تقسیم اعضای این نظام به مجموعه‌های زیر منطقه‌ای متشکل از دو یا سه کشور به منظور مطالعه روابط متقابل و خارجی وجود ندارد. تحلیل نظام‌های N بازیگری در شرایطی که باید رفتار کنشگران زیر ملی مانند گروه‌های قومی و جناح‌های سیاسی را در نظر بگیریم، بااهمیت‌تر می‌شود (Schrodt and Gerner, 1997, p. 548). در نمودار ۲، همسایگان ایران و سایر کنشگرانی که در مناطق شمالی، جنوبی، غربی و شرقی پیرامون قلمروی ایرانی فعالیت داشته‌اند، مشخص شده‌اند.

### مطالعه علمی رفتارها و سیاست‌های خارجی

رفتار سیاست خارجی به رفتار و اعمال مشاهده‌شده‌ی افرادی که در مقام و منصب رسمی دولتی خدمت می‌کنند، اشاره دارد. در حالی که "سیاست" خارجی نه تنها رفتارها بلکه استراتژی‌ها و اهدافی را که منجر به آن رفتارها می‌شوند، نیز در بر می‌گیرد. در بیشتر موارد، برای توصیف و تبیین سیاست خارجی یک کشور لازم است تا اهداف و نیاتی که منجر به "رفتارها" می‌شوند به طور دقیق شناسایی و تحلیل شوند. در مقایسه، می‌توانیم بدون اشاره به عوامل روانشناسی شکل‌دهنده اهداف به شرح و توصیف رفتار سیاست خارجی بپردازیم. به دلیل تفاوت موجود بین "سیاست" و "رفتار"، تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان سیاست خارجی کشورها باید تصمیم بگیرند که پژوهش خود را با توصیف و تحلیل سیاست خارجی و یا با شرح و بررسی الگوهای رفتاری کشورها آغاز نمایند. گرچه تفاوت‌هایی بین رفتار و سیاست وجود دارد، اما تحلیل هر دوی آنها در یک پژوهش در نهایت مکمل یکدیگر خواهد بود. اگر بشود رفتار سیاست خارجی یک دولت را در طول زمان مشخصی بسنجیم، توانایی بیشتری برای تحلیل و درک بهتر سیاست خارجی آن کشور ایجاد خواهد شد (Callahan, 1982, p. 293).

پرسش این است که آیا افرادی که به نمایندگی از سوی یک ملت به تنظیم و اجرای سیاست خارجی مشغول می‌باشند، به طور آگاهانه در صدد دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و واقعی بوده‌اند. مسلم است که این افراد پیامدها و دست‌آورد‌های ویژه را که امیدوارند با اجرای استراتژی خاصی تحقق یابند، در نظر می‌گیرند. از این جهت، ملت‌ها را به موجودیت‌های هدفجویی (goal-seeking) که رفتار هدفمندی از خود نشان می‌دهند، تشبیه می‌کنند. نکته مهم این است که آیا ملت‌ها به دنبال اهداف برگزیده خود می‌باشند و یا به سوی کسب اهدافی کشانده می‌شوند که نیروهای خارج از نظارت‌شان بر آنها تحمیل کرده است. به عبارتی دیگر، آیا اهداف سیاست خارجی ملت‌ها از سوی رهبران سیاسی و نمایندگان منتخب آنها با در نظر گرفتن منافع ملی تعیین شده و یا به دلایل متفاوتی (مانند ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و یا سیاسی آنها در حال و گذشته، موقعیت جغرافیایی، وابستگی به دنیای خارج و غیره) مجبور شده‌اند که اهداف معینی را دنبال کنند؟ در برخی موارد، ملت‌ها آگاهی کامل در مورد اهداف تحمیل شده سیاست خارجی خود ندارند (Singer, 1969, p. 26).

واقع‌گرایی نوکلاسیک به‌طور آشکار متغیرهای داخلی و خارجی متفاوتی را در نظر گرفته، اما برخی دیدگاه‌های منتج از نظریه‌های واقع‌گرایی کلاسیک را با اندکی نوآوری ارائه می‌کند.<sup>۱</sup> طرفدارانش استدلال می‌کنند که گستره و میزان جاه‌طلبی سیاست خارجی یک کشور به شدت تحت تاثیر جایگاه و به ویژه توانایی‌های قدرت نسبی‌اش در نظام بین‌الملل قرار دارد. به دلیل این باور، این نظریه‌پردازان "واقع‌گرا" خوانده می‌شوند. از این گذشته، این افراد ادعا می‌کنند که تاثیر توانایی‌ها و قدرت ملی بر سیاست خارجی غیر مستقیم و پیچیده است، زیرا فشارهای سیستمی از راه متغیرهای مداخله‌گر در سطوح خردتر (مانند سطح ملی و زیر ملی) باید نمایان شوند. به دلیل این ادعا، این افراد "نوکلاسیک" معرفی شده‌اند. واقع‌گرایان نوکلاسیک بر این باورند که قدرت مادی نسبی پارامترهای اصلی سیاست خارجی یک کشور را تشکیل می‌دهد، و در نتیجه "قدرتمند باید آنچه را می‌تواند انجام دهد، و مستضعف باید از آنچه که بر او تحمیل شده رنج ببرد."<sup>۲</sup> با وجود این، واقع‌گرایان نوکلاسیک بیان می‌کنند که زنجیره مستقیم و کاملی بین توانایی‌های مادی و رفتار سیاست خارجی کشورها مشاهده نمی‌شود. تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی از سوی رهبران و نخبگان سیاسی انجام می‌گیرد، و بنابراین، پندار و برآوردهای آنان از قدرت نسبی کشورشان مهم‌تر از مقادیر واقعی منابع و قدرت ملی

۱- برای شرح نظریه واقع‌گرایی بنگرید به، (Mastanduno and others, 1989; and Wohlforth, 1994/95)

۲- برای بحثی در مورد نواقص گرایی ر ش به، (Garst, 1989; and Schroeder, 1994)

آن کشور است. این امر باعث شده که در کوتاه مدت و میان مدت سیاست خارجی کشورها با میزان قدرت مادی آنها به طور ضروری همخوانی نداشته باشد. در بیشتر موارد، این رهبران سیاسی برای بهره‌برداری از منابع ملی به آن شکلی که تمایل دارند از آزادی کامل برخوردار نیستند. برای تحلیل قدرت نسبی کشورها باید به بررسی نقاط قوه و نیز ساختار دولت‌ها در برابر ملت‌هایشان پردازیم تا درک کنیم تا چه حد منابع ملی می‌تواند به سیاست خارجی آنها اختصاص داده شود. در واقع کشورهایی که دارای توانایی‌ها و قدرت مشابه، اما ساختار دولت متفاوت می‌باشند، احتمال دارد که در عرصه سیاست خارجی رفتار کاملاً متفاوتی داشته باشند. فشارها و انگیزه‌های سیستمی احتمال دارد که جهت‌گیری‌های عمومی و کلی سیاست خارجی را شکل دهند، اما به اندازه کافی پر شدت و دقیق نباشند که بتوانند همه جوانب و جزئیات رفتار یک دولت را تعیین کنند. به این دلایل، واقع‌گرایان نوکلاسیک بر این باورند که درک زنجیره‌های ارتباطی بین قدرت و سیاست خارجی مستلزم بررسی دقیق زمینه‌ها و شرایطی است که در درون آنها سیاست خارجی تنظیم شده و اجرا می‌شود. (Rose, 1998)

جیمز روزنا، فشارهای نظام بین‌الملل و ویژگی‌های شخصیتی رهبران را از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه می‌نامد. (Klingberg, 1990, p. 55 and Hoffinan, 1989) واقعیت این است که عوامل سطح بین‌المللی در شکل‌گیری رفتار سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ نیز بسیار موثر بوده‌اند. کنگره آمریکا از سیاست ریگان برای مقابله با نیروهای مبارز درگیر نبرد با رژیم‌های کمونیستی در افغانستان، آنگولا و کامبوج حمایت کرد. در ۱۹۸۶، دولت واشنگتن موشک‌های استینگر در اختیار مجاهدین افغانی قرار داد و موقعیت آنان را در برابر دولت حمایت شوروی مستحکم‌تر کرد. در مارس ۱۹۸۶، آمریکا با موافقت برای اسکورت دریایی کشتی‌های نفتی و تجاری کویت حضور فیزیکی خود را در خلیج فارس افزایش داد و به تدریج کشتی‌ها و ناوهای هواپیمابر امریکایی راهی سواحل جنوبی ایران شدند. در خارج از منطقه مجاور ایران نیز تحولاتی مهم مشاهده شد. رژیم‌های کمونیستی و چپ‌گرای اروپای شرقی (مانند لهستان در آوریل، مجارستان در اکتبر، آلمان شرقی در نوامبر، بلغارستان در نوامبر، چک‌واسلواکی در نوامبر، رومانی در دسامبر ۱۹۸۹) یکی پس از دیگری تضعیف و واژگون شدند. در همان سال، نشانه‌هایی از بهبود روابط دو ابرقدرت دوران جنگ سرد دیده شد؛ و جورج بوش پدر با گورباچف در دسامبر ۱۹۸۹ در مالتا ملاقاتی دوستانه داشت. (Rosenau, 1971) بسیار محتمل است که بدون بروز رویدادهایی مهم مانند فروپاشی شوروی، انقلاب اسلامی ایران، جنگ ایران و عراق، ایجاد شبکه تروریستی القاعده و ده‌ها رویداد سرنوشت‌ساز دارای پیامدهای استراتژیک در سطح بین‌المللی، مداخله نظامی مستقیم و گسترده آمریکا در خاورمیانه امکان‌پذیر نبود. ایران همواره

مهره‌ای مهم در جنگ‌های سرد و گرم و رقابت‌های بین قدرت‌های بزرگ بوده است. نشانه‌هایی وجود دارد که در صورت از سرگیری جنگ سردی بین روسیه و آمریکا شاهد تکرار این واقعیت تاریخی باشیم. ولادیمیر پوتین با ارائه پیشنهاد خود به جورج بوش برای استفاده مشترک از ایستگاه رادار قبله (گابالا) در خاک آذربایجان به جای ایجاد مراکز موشکی در اروپای شرقی باعث شگفت‌زدگی نه تنها مقامات امریکایی بلکه آذری‌ها و ایرانی‌ها شد. بسیاری از مردم آذربایجان با انتقاد از پیشنهاد روسیه بیان داشتند که پوتین حق معامله کردن با واشنگتن را بر سر این ایستگاه نداشته است. البته الهام علی‌اوف رییس جمهور آذربایجان که همواره خواهان همکاری نظامی و دفاعی با آمریکا و ناتو بوده، از این ایده استقبال نمود. ضیافت عسکراف نایب سخنگوی پارلمان آذربایجان در واکنشی منفی به اظهارات پوتین بیان کرد که "اگر روسیه بخواهد اجازه استفاده از این (ایستگاه) را به کشور ثالثی بدهد، باید این مساله را با آذربایجان در میان بگذارد." وی با استناد به ماده چهارم در قرارداد اجاره ایستگاه راداری گابالا تاکید کرد که این مرکز بدون اجازه آذربایجان نمی تواند در اختیار طرف سوم قرار گیرد (Mamedov, 2007). استفاده مشترک روسیه و آمریکا از ایستگاه رادار گابالا (به گفته روس‌ها گابالینسکی) در خاک آذربایجان به جای ایجاد پایگاه‌های موشکی در اروپای شرقی گزینه مناسبی برای دولت واشنگتن نیست.

پژوهش‌های کمی نشان داده که رابطه بین ایستارها، پندارها و ارزش‌های فردی رهبران به آن شدت و اهمیت که پیشتر فرض می شد، نمی‌باشد. ارزش‌های فردی تاثیر زیاد بر پندارها و بر گزینه‌های سیاستگذاران در زمینه سیاست خارجی ندارند. (Kent, 1972, pp. 202 and 210) با این حال، نمی توان زنجیره ارتباطی بین باورها و ارزش‌های فردی از یک سو، و سیاست‌ها و رفتارهای سیاست خارجی از سوی دیگر را سست و بی‌اهمیت تلقی کرد. طبقه‌بندی‌ای بر مبنای ارزش‌های آشکار (محسوس) و ناآشکار (نامحسوس) مسائل مختلف برای کشورهای متعارض وجود دارد.

### الف - ارزش‌های آشکار

- امنیت: امن بودن در برابر تهدیدهای خارجی (نبود تهدید و یا دارا بودن توانایی مقابله با تهدیدهای موجود)؛

- بقا: تامین نیازهای اساسی انسانی (آب، غذا، سرپناه)

- ثروت: گردآوری منابع، کالاها و پول (بیش از نیازهای اساسی انسانی)

### ب - ارزش‌های ناآشکار

- فرهنگ/ هویت: ارزش‌های مرتبط با هویت و یا باورهای فرهنگی، مذهبی، ایدئولوژیک

- برابری/ عدالت: رعایت عدالت در توزیع سایر ارزش‌ها

- استقلال: توانایی طرح و اجرای سیاست‌های خود

- جایگاه/ پرستیژ/ نفوذ: میزان احترام دیگران به خود

این ارزش‌ها بر مبنای اهمیت و اولویت می‌تواند رتبه‌گذاری شود. به طور مثال، اختلاف بر سر قلمروی استراتژیک در مقایسه با اختلاف بر سر سیاست‌های تجاری بیشتر احتمال دارد به درگیری مسلحانه منجر شود. در بیشتر موارد، امنیت از رفاه بااهمیت‌تر تلقی می‌شود. مازلو از نخستین افرادی بود که هرم ارزشی نیازهای انسانها را مطرح کرد، به نحوی که نیازهای بالاتر مانند نیاز به خود شکوفایی، خلاقیت، احترام به خود و نیاز به تعلق داشتن و نیازهای امنیتی تنها زمانی مهم می‌شوند که نیازهای اساسی تر مانند دسترسی به آب و غذا تامین شده باشند. (Maslow, 1954)

برخی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل با رتبه‌بندی‌های همه شمول مخالفت کرده‌اند. در سال ۱۹۵۰، لازول بیان داشت که گرچه تشابه در انگیزه‌ها و خواسته‌های افراد و ملت‌های مختلف دیده می‌شود، اما تفاوت‌هایی به ویژه در اهمیت نسبی در نظر گرفته شده برای ارزش‌های مختلف وجود دارد. ما نمی‌توانیم با پیشداوری در مورد ارزش‌گذاری در بین افراد و گروه‌ها کلی‌پردازی کنیم. (Lasswell, 1950, cited in McLaughlin and others, 2006, pp. 4-5) در اینجا، به جای رتبه‌بندی گونه‌های مختلف ارزش‌های ملی برای جمهوری اسلامی ایران بر مبنای الگویی عمومی برای سیاستگذاری خارجی کشور-ملت‌ها، به رتبه‌بندی مسائل سیاست خارجی بر اساس اهمیت می‌پردازیم. مسائل مختلف سیاست خاورمیانه‌ای ایران در دو گروه بااهمیت آشکار (مشاهده‌شدنی و سنجش‌پذیر) و ناآشکار (مشاهده‌نشده‌نی و سنجش-ناپذیر) در نمودار ۳ مشخص شده است.

یک مساله خاص برای رهبران و سیاست‌گذاران ایرانی و یا بخشی بزرگ از مردم کشور می‌تواند از اهمیت نسبی بیشتری برخوردار باشد. برخی دیگر از مسایل سیاست خارجی می‌تواند برای گروهی کوچک از مردم ایران حائز اهمیت بوده و به طور نسبی در سیاستگذاری خارجی ایران دارای اولویت و اهمیت کمتر باشد. مثال‌هایی از مهم‌ترین مسایل سیاست خارجی ایران در ارتباط با منطقه خاورمیانه در این نمودار شناسایی و رتبه‌بندی شده‌اند.

حفظ امنیت مرزها و تمامیت ارضی به دلایل آشکار و ناآشکار برای همه کشورها حیاتی در نظر گرفته می‌شود. ادعاهای قلمرویی در بیشتر موارد شامل سرزمین‌های غنی در منابع و یا دارای موقعیتی استراتژیک بوده؛ و در نتیجه دارای ارزش آشکار و مشاهده‌شدنی می‌باشد. بسیاری از قلمروها دارای اهمیت ناآشکار اقتصادی نیز هستند و گاهی بخشی از هویت ملی یک کشور را تشکیل داده و یا به ارزش‌های ناآشکار پرستیژ و جایگاه قدرت نسبی کشورها در منطقه و جهان مربوط می‌شوند. بنابراین از دست دادن حتی بخش بسیار کوچکی از قلمروی

بدون ارزش آشکار اقتصادی (مانند جزیره بدون سکنه تنب کوچک و فاقد منابع استراتژیک) بر منافع ملی ایران تاثیر منفی جبران ناپذیر خواهد داشت، مگر آن که با قلمروی ارزشمندتر و یا امتیاز بزرگتری معاوضه شود.

مسائل مرتبط با بقای رژیم نیز دارای ارزش‌های آشکار و ناآشکار خواهد بود، به ویژه برای اعضای رژیم‌هایی که تهدید شده و برای نابودی از سوی دشمنانشان هدف‌گیری شده‌اند. (McLaughlin Mitchell, and other) از تلاش‌های امریکا برای برکناری فیدل کاسترو و سرنگونی رژیم چپ‌گرای وی در کوبا از همان آغاز زمامداریش پرده برداشته شد.<sup>۱</sup> دشمنی نومحافظه‌کاران امریکایی با جمهوری اسلامی و تهدیدهای پی در پی برخی از سیاستمداران ضد ایرانی به استفاده از ابزار تحریم اقتصادی، بی‌ثبات‌سازی سیاسی و تهاجم نظامی برای تغییر رژیم ایران از دیدها پنهان نمانده است. گرچه این مساله تا حدی نامحسوس است، زیرا به نفوذ و پرستیژ امریکا به عنوان دولت تهدیدکننده و خواهان برکناری رژیم‌های مخالفش ارتباط پیدا می‌کند. از سوی دیگر، این سیاست به بقای فیزیکی دولت جمهوری اسلامی (ارزشی آشکار) و استقلال عمل رهبران ایرانی (ارزشی ناآشکار) مربوط می‌شود. یک مساله خاص می‌تواند از لحاظ اهمیت نسبی در سطح بالا، و از لحاظ ارزشی هم آشکار و ناآشکار باشد. به طور نمونه، تلاش امریکایی‌ها برای روی کار آمدن یک دولت طرفدارش در بغداد هم مربوط به ارزش ناآشکار گسترش نفوذش در منطقه، و هم ارزش آشکار دسترسی به منابع انرژی عراق می‌شود.

### مسائل مهم منطقه ای و سیاست های خارجی ایران

روابط متقابل ایران و همسایگانش از ۱۹۷۹ تا کنون را باید پر تنش، دستخوش نوسانات پرشدت، و با اهمیت استراتژیک برای کشورهای برون منطقه ای معرفی کرد. محدوده جغرافیایی تاثیر و نفوذ سیاست خاورمیانه‌ای ایران تا مناطق پیرامونی و دوردست در نظام بین‌المللی امتداد می‌یابد. تصمیم‌گیران اصلی، خطوط کلی سیاست خارجی ایران را در چارچوب تعیین شده عوامل ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک شکل می‌دهند. سیاست‌ها و

۱- به رغم نقشه‌های امریکا در دوران زمامداری ۱۰ رییس جمهور از آیزنهاور تا بوش، فیدل کاسترو هشتاد ساله توانسته حدود پنجاه سال از زمان موفقیتش در کودتای مارکیست لنینستی سال ۱۹۵۹ علیه رژیم باتیستا رییس جمهور اقتدارگرای طرفدار غرب کوبا، همچنان در صدر قدرت باقی مانده؛ و جان سالم از دست کم ۶۰۰ تلاش نافرجام سیا برای ترورش بدر ببرد. به تازگی کاسترو به دلیل بیماری تصمیم گرفت از سمت ریاست جمهوری کناره گیری کند. برای شرح کاستروستیزی سیا بنگرید، به:

(CIA Recruited, 2007; Castro, 2007; Burrough, 2006, Fidel, 2008).



تصمیم‌گیری‌های رهبران ایرانی در زمینه سیاست خارجی در سه گروه زیر بر مبنای اهداف طبقه‌بندی‌شدنی هستند: ۱- آنهایی که برای نفوذ بر سیاست‌ها و رفتارهای سایر دولت‌ها و رهبران آنها گرفته می‌شوند؛ ۲- آنهایی که برای جلوگیری یا مهار مخالفت‌های داخلی در نظر گرفته می‌شوند؛ و ۳- آنهایی که برای حفظ نظم و امنیت در کشور لازم تشخیص داده می‌شوند. در برخی موارد، سیاستگذاران ایرانی هر سه هدف، و یا اهداف دیگری را در فرآیندهای تصمیم‌گیری خود دنبال می‌کنند.

در این بخش به بررسی مهم‌ترین مسایل منطقه‌ای از بعد منافع ملی ایران پرداخته می‌شود. چهار مساله مورد اختلاف خاورمیانه با اهمیت نسبی بیشتر برای جمهوری اسلامی به ترتیب عبارتند از: آینده برنامه هسته‌ای ایران، حضور نیروهای بیگانه در خلیج فارس، افغانستان، عراق و ماهیت دولت بغداد، تهدید علیه تروریسم بین‌المللی، اختلاف فلسطین و اسرائیل. هر یک از این مسائل چهارگانه یک نظام فرعی را متشکل از بازیگران یا کنشگران منطقه‌ای و برون-منطقه‌ای، دولتی و غیردولتی تشکیل داده است. همان‌طور که در نمودار ۴ نمایش داده می‌شود، بر مبنای اهمیت نقش و جایگاهشان، کنشگران در هر نظام فرعی در دو گروه "مرکز" (شامل مهم‌ترین کنشگران با بالاترین و مستقیم‌ترین میزان مداخله در مساله‌ای که بر محورش نظام فرعی ایجاد شده) و "پیرامون" (در برگیرنده کنشگران کم‌اهمیت‌تر و با مداخله غیرمستقیم در مساله مورد نظر) قرار داده می‌شوند.

برای تصمیم‌گیری و رسیدگی به این مسائل حاد، سیاستگذاران ایرانی باید به سیاست‌ها و رفتار سیاست خارجی کنشگران زیر توجه نمایند:

الف (کنشگران دولتی منطقه‌ای): آذربایجان، اردن، ازبکستان، اسرائیل، افغانستان، امارات متحده عربی، بحرین، پاکستان، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، تشکیلات خودگردان فلسطین، قطر، کویت، لبنان، مصر، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس.

ب (کنشگران غیر دولتی منطقه‌ای): القاعده، منافقین در عراق، بعثی‌ها، پی‌ک ک در ترکیه، حماس، جهاد اسلامی، حزب الله.

پ (کنشگران دولتی فرامنطقه‌ای): امریکا، انگلستان، آلمان، روسیه، فرانسه، چین، کره شمالی، اتحادیه اروپا، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان ملل، ناتو.

ت (کنشگران غیردولتی فرامنطقه‌ای): شبکه‌های تروریسم بین‌المللی.

به نظر می‌آید که سیاستگذاران و رهبران ایران برای سیاستگذاری در مورد این چهار مساله مهم باید به فعالیت‌ها و سیاست‌های ۱۸ کشور منطقه‌ای، ۷ کشور فرامنطقه‌ای، ۲ نهاد دولتی منطقه‌ای، ۴ نهاد دولتی فرامنطقه‌ای، ۷ گروه و نهاد غیردولتی منطقه‌ای، و شبکه‌های غیردولتی نامشخص تروریست بین‌المللی توجه ویژه داشته باشند. یکی از نکات مهم این است که در هر

چهار مساله، ایران باید در برابر سیاست‌های امریکا و اسراییل از منافع ملی‌اش دفاع کند. در ضمن، القاعده در سه مساله (به غیر از مساله نخست مربوط به آینده برنامه هسته‌ای ایران) یکی از اصلی‌ترین کنشگران ضد ایرانی می‌باشد.

اسراییل بازیگر منطقه‌ای اصلی در مقابله با ایران در مساله هسته‌ای است. برخی از رهبران یهودی و طرفداران دولت تل‌آویو، حتی کاربرد زور و تهاجم نظامی را برای رفع تهدید ایران پیشنهاد کرده‌اند. شائول موفاز وزیر دفاع وقت اسراییل سه سال پیش اعلام کرد که راه‌حل نظامی از جمله راه‌های جلوگیری از دستیابی ایران به توانایی اتمی است. وی گفته بود: "تمام راه‌حل‌ها برای ممانعت از این امر (کسب سلاح‌های اتمی از سوی ایران) در نظر گرفته خواهد شد." (Israel Threatens, 2004) در واکنش به این گونه تهدیدهای آشکار، سردار محمد باقر ذوالقدر هشدار داد که "اگر اسراییل یک موشک به نیروگاه اتمی بوشهر پرتاب کند، باید برای همیشه مرکز اتمی دیمونا جایی که سلاح‌های هسته‌ای خود را تولید کرده و نگهداری می‌کند، فراموش کند. و اسراییل مسوول پیامدهای وحشتناک این اقدام خواهد بود." (Iran Will, 2004) در آبان ۲۰۰۶، افرایم سنه معاون وزیر دفاع اسراییل با تکرار این تهدید بیان داشت: "ایران باید متوقف شود. گرچه اقدام نظامی پیشگیرانه باید آخرین راه باشد، اما آخرین راه گاهی اوقات تنها راه است." (Iran Wargame, 2006) پس از اظهارات سنه در مورد لزوم حمله پیشگیرانه به نطنز و سایر مراکز اتمی، دولت ایران به سازمان ملل شکایت کرد. (Iran Complains, 2006) دو طرف به جنگ لفظی و تبلیغاتی بسنده نکرده، و در تلاش برای بهبود کیفیت توانایی‌های نظامی برای مقابله با تهدیدهای امنیتی احتمالی بوده‌اند. قرارداد همکاری نظامی فوریه ۱۹۹۶ اسراییل با ترکیه تهدید استراتژیک آشکار برای ایران، عراق و سوریه بود زیرا قلمروی هوایی اسراییل در مدیترانه شرقی را گسترش داده و پروازهای مراقبتی و جاسوسی اسراییلی‌ها را در امتداد مرزهای این سه کشور همسایه ترکیه میسر ساخت.

(El-Shazly and Hinnebusch, 2002, pp. 78-79)

در نوامبر ۲۰۰۶، ایران اقدام به رزمایش ده روزه در خلیج فارس برای نمایش قدرت، آزمایش موشک‌های کوتاه برد و میان‌برد، و تمرین و آمادگی نیروهای نظامی در برابر حملات احتمالی علیه قلمروی ایران نمود. جان عبیزید ژنرال امریکایی و فرمانده وقت نیروهای نظامی امریکا در خاورمیانه در مورد این بازی‌های جنگی بیان داشت که "برای ترساندن ملل کوچک منطقه" طرح‌ریزی شده بودند. گرچه انگیزه اصلی ایران در آغاز برنامه موشکی مقابله با تهدید اسراییل نبود، اما در سال‌های اخیر نیاز به بازدارندگی دولت یهودی که تنها زرادخانه اتمی منطقه خاورمیانه را در اختیار دارد از مهم‌ترین عوامل تشویق‌کننده سرمایه‌گذاری در این برنامه ملی بوده است.

بسیاری از تحلیل‌گران رفتار سیاست خارجی ایران استدلال کرده‌اند که عوامل جغرافیایی در طی قرن‌ها نقش مهم در تعیین سیاست خارجی ایران داشته‌اند. (Ehteshami, 2002, p. 284) با توجه به دستیابی ایران به فن‌آوری‌های نظامی پیشرفته بسیاری از محدودیت‌های جغرافیایی کمرنگ‌تر شده و فضای مانور برای رسیدن به برتری منطقه‌ای گام به گام بیشتر می‌شود. موشک‌های میان برد به ایران امکان می‌دهند تا بدون نیاز به دسترسی به قلمروی جنوب لبنان که مشروط به موافقت دولت سوریه است بتوانند توانایی بازدارندگی در برابر دشمن منطقه‌ای خود اسرائیل را افزایش دهد. در شرایط بحرانی توانایی موشکی به ایران اجازه خواهد داد تا بدون حضور فیزیکی نیروهایش در منطقه مجاور اسرائیل بتواند به مراکز و شهرهای یهودی در عملیات انتقام‌جویانه حمله کند. اهمیت توانایی موشکی زمانی بیشتر خواهد شد که دولت دمشق مانند اردن و مصر با اسرائیل به توافق صلحی رسیده و از مواضع فعلی جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین و لبنان فاصله بگیرد. باید توجه داشت که مساله فلسطین برای کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه یک مساله سیاست خارجی است، و گرچه موضع حمایت از حقوق مسلمانان فلسطینی به دلیل افکار عمومی جهان عرب برای مشروعیت رژیم‌ها (مانند رژیم اسد در سوریه) اهمیت دارد، اما شرط لازم برای بقای ملی و امنیت رژیم نمی‌باشد. در صورت اعطای امتیازهای قلمرویی و تضمین‌های مثبت امنیتی از سوی تل‌آویو و واشنگتن، احتمال صلح سوریه و اسرائیل همیشه وجود داشته است.

تروریسم بین‌المللی به عنوان دومین مساله مهم تهدیدکننده امنیت ملی ایران در سیاستگذاری‌های خارجی کشور مطرح بوده، و ایران را در روبروی گروه‌هایی مانند القاعده که در مناطق پیرامون ایران فعال شده‌اند، قرار داده است. شبکه القاعده در دامن زدن به اختلاف‌های قومی-مذهبی در عراق نقش داشته، و به بمب‌گذاری‌ها و حملات انتحاری علیه مراکز سیاسی و یا مذهبی شیعیان متوسل شده است. این نهاد فراملی تروریستی در عراق بیشتر از سوی عراقی‌های عرب سنی حمایت می‌شود، و غیرعراقی‌ها (که شمارشان حدود ۱۳۰۰ نفر برآورد شده) بیشتر نقش پشتیبانی داشته، و یا مسوولیت اجرای عملیات انتحاری را بر عهده گرفته‌اند. اهداف القاعده شامل ایجاد شکاف عمیق‌تر بین عراقی‌های شیعه و سنی، جلوگیری از تشکیل دولت قدرتمند با اکثریت شیعه در بغداد، و بیرون راندن نیروهای خارجی از این کشور است (Baker, 2006, p. 4). فعالیت این گروه‌های غیردولتی در روابط متقابل کشورهای منطقه تاثیر داشته است. در سال ۲۰۰۰، مقامات ایرانی برای تشویق گردشگران عرب تصمیم به برداشتن شرط صدور روادید برای سفر شهروندان شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس به ایران گرفتند، اما دو سال بعد برای جلوگیری از ورود اعضای شبکه القاعده و حفظ امنیت مرزهای جنوبی کشور این شرط برقرار شد (Iran Reimposes, 2002). ایران در زمره

معدود کشورهای جهان قرار دارد که به دلایل ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک (مانند تعدد شمار همسایگان، وسعت جغرافیایی، طولانی بودن مرزهای خشکی و آبی، ارتباط بین تروریست‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر و اسلحه، و جرائم سازمان یافته برای تامین مالی فعالیت‌های تروریستی، و بی ثباتی برخی از کشورهای همسایه) مبارزه با تروریسم بین‌المللی را در صدر برنامه‌های ملی قرار داده‌اند.

مساله سوم مربوط به حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس و آینده عراق می‌شود. سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد بر سه هدف اصلی استوار بود: ۱- حفظ هژمونی غرب در منطقه‌ای که اهمیت استراتژیک آن برای دفاع از اروپا از زمان ناپلئون شناخته شده است؛ ۲- حصول اطمینان از دسترسی به نفت ارزان خاورمیانه؛ و ۳- حصول اطمینان از امنیت اسرائیل. در دوران پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست خارجی آمریکا بر یک هدف اصلی دیگر که شکست تروریسم ضد آمریکایی می‌باشد، نیز متمرکز شده است (Jones, 2001) برای رسیدن به این اهداف، دولت واشنگتن به تدریج میزان مداخله مستقیم خود را در مناطق پیرامون ایران افزایش داده است.

دست‌آورد مهم حضور بیگانگان در خلیج فارس، افغانستان و عراق این است که ایران در محاصره کشورهای قرار دارد که با آمریکا رابطه نزدیک برقرار کرده، و حتی میزبان نیروهای نظامی آمریکایی در قلمروی خود می‌باشند. در مورد پیامد سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا برای ایران دو دیدگاه مختلف وجود دارد: ۱- برخی استدلال می‌کنند که اگر ایران از توسعه برنامه هسته‌ای و حمایتش از گروه‌های مبارز فلسطینی دست برندارد، احتمال دارد مورد حمله نظامی آمریکا واقع شود. نومحافظه‌کاران کاخ سفید و پنتاگون ممکن است تنها راه موفقیت در عراق و افغانستان را در تغییر رژیم ایران و اشغال نظامی منطقه‌ای که از افغانستان آغاز شده و تا عراق ادامه داشته و سرزمین ایران را در برمی‌گیرد، ببینند (Karsh, 2007, p. 1). ۲- گروه دومی از کارشناسان مسایل منطقه‌ای ادعا می‌کنند که اقدامات نظامی آمریکا منجر به برکناری دو رژیم سرسخت و دشمن ایران (رژیم ضد ایرانی بعثی صدام حسین در بغداد و رژیم ضد شیعه طالبان در کابل) شده است. در نتیجه، موقعیت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران بوجود آمده تا جایگاه خود را در منطقه ارتقا دهد. با افزایش قدرت شیعیان عراق، ایران می‌تواند گام به گام عمق استراتژیکش را افزایش داده و به پیشبرد منافع ملی خود امید بیشتری داشته باشد. و نگران نقشه‌های براندازانه کاخ سفید نباشد. هم‌اکنون، نشانه‌هایی از "خستگی استراتژیک" آمریکا وجود دارد. از یک سو، در محافل سیاسی واشنگتن بحثی بر سر خروج نیروهای آمریکایی از عراق و افغانستان در شرایطی که ناآرامی‌ها ادامه دارد، وجود دارد. از سوی دیگر، شوق و حرارت سیاستمداران آمریکایی برای تغییر رژیم در سایر کشورها (ایران،

سوریه، کره شمالی و شاید ونزوئلا) به‌طور آشکاری فروکش کرده است. (Fuller, 2006, p. 17)

مقامات ایرانی بارها از سیاست "تفرق‌انداز و حکومت کن" دولت بوش انتقاد کرده و هدف سفرهای پی در پی رهبران و مسوولان سیاسی و نظامی امریکایی به خاورمیانه را ایجاد ترس و نگرانی بین کشورهای منطقه برای جلوگیری از گسترش روابط آنها با ایران معرفی کرده‌اند. استمرار حضور نظامیان امریکایی ایران را رودرروی همسایگان جنوبی قرار می‌دهد. یکی از مسائل مورد اختلاف ایران و عربستان استقرار نیروهای امریکایی در خاک این کشور بوده است. ایران در تلاش بوده تا همسایگان خلیج فارس را متقاعد کند که به حضور نیروهای نظامی بیگانه در قلمروی خود پایان داده و به جای وابستگی به بیگانگان با انعقاد معاهده دفاعی منطقه ای مسوولیت امنیت خلیج فارس را به دولت های محلی، ملی و منطقه‌ای بسپارند. عربستان سعودی خود را در جایگاه ضعیفی از لحاظ قدرت نظامی در برابر ایران مشاهده کرده، و می‌کوشد تا از پیدایش قدرت منطقه‌ای برتر (به‌ویژه ایران اسلامی قدرتمند) جلوگیری نماید. در مقایسه با کشورهای کوچکتر سواحل جنوبی خلیج فارس، عربستان سعودی نقش و جایگاهی برتر داشته و مایل نیست که دو کشور بزرگتر حاشیه شمالی این آبراه (ایران و عراق) در شورای همکاری خلیج فارس و یا نهاد دفاعی منطقه‌ای مشابه عضویت داشته باشند. برخی از رهبران عربستانی بر این باورند که اگر به خاطر قدرت امپراطوری انگلستان در مناطق ساحلی شبه جزیره عربی نبود، آنها امروز بر کل منطقه جنوبی خلیج فارس (شامل امارات، بحرین، قطر و یمن) حکمروایی می‌کردند (Gause, 2002, pp. 197-198).

آقای هاشمی رفسنجانی رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۹۹۸ نخستین مقام ارشد ایرانی بود که پس از انقلاب به عربستان سعودی سفر کرد (Rafsanjani, 1998). در مه ۱۹۹۹، آقای خاتمی رییس جمهور پیشین ایران سفری به عربستان سعودی و قطر داشت؛ اما در ماه ژوئن امارات متحده عربی تهدید به خروج از شورای همکاری خلیج فارس کرد مگر این که سایر کشورهای عضو این نهاد (بحرین، کویت، عربستان، عمان و قطر) بهبود روابط خود را با ایران مشروط به حل مساله جزایر ایرانی نمایند. دولت ایران همواره مخالفت خود را با هر نوع مداخله خارجی اعلام کرده، و به هیچ وجه اجازه مداخله کشورهای فرامنطقه‌ای و یا نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی (مانند این شورا و یا دادگاه بین‌المللی لاهه) را برای مساله ای که به روابط دوجانبه ایران و امارات ارتباط دارد نخواهد داد. (UAE, 1999). نگرانی امارات از گسترش روابط ایرانی‌ها با هم پیمانهایش در شورا به این دلیل بود که آقای خاتمی در سفرش به قطر و عربستان، موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای را برای همکاری در زمینه های مختلف سرمایه‌گذاری، تجارت، ورزشی، و گردشگری با این همسایگان عرب ایران به امضا

رساند. قطر از پایان جنگ ایران و عراق خواستار برقراری روابط نزدیک‌تر با ایران در همه زمینه‌ها از جمله زمینه دفاعی و امنیتی شده بود، و بالاخره طرفین در ۱۹۹۹ با ایجاد روابط بین فرماندهان نظامی خود موافقت کردند (Muir, 1999). آقای احمدی نژاد، رئیس جمهور کنونی ایران در بهار ۲۰۰۷ با سفر به امارات متحده عربی و عمان برای مذاکره در مورد بحران عراق، برنامه هسته‌ای ایران و مسائل دیگر امنیتی منطقه‌ای به این روند بهبود روابط متقابل با همسایگان جنوبی ایران ادامه داد (Iran President, 2007). نکته مهم این بود که دیدار رئیس جمهور ایران از امارات متحده عربی یک روز پس از سفر دیک چینی معاون رئیس جمهور آمریکا و مدافع سرسخت سیاست دشمن تراشی بین کشورهای خاورمیانه و جمهوری اسلامی ایران با هدف تنگ تر کردن حلقه محاصره در پیرامون دولت و انزوا و طرد مردم ایران از جامعه بین‌المللی انجام شد (Iran's Ahmadinejad, 2007).

گرچه ایران تمایل خود را برای انعقاد قراردادهای دفاعی با همسایگانش برای جایگزینی نیروهای خارجی مستقر در منطقه نشان داده بود، اما وزیر دفاع عربستان اعلام کرد که همکاری مستقیم نظامی با ایران برای حفظ امنیت خلیج فارس امکانپذیر نمی‌باشد. (Saudi Arabia, 2000) با این وجود، دو کشور قرارداد امنیتی مهمی را برای همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرائم سازمان یافته به امضا رساندند. این سند همکاری که پس از دو سال مذاکره دوجانبه تهیه شد، اقدامات دیگری را نیز در مورد همکاری بین نیروهای پلیس و نیروهای مراقبت از مرزها شامل می‌شود، اما همکاری نظامی را در بر نمی‌گیرد (Iran, Saudi Arabia, 2001). روابط ریاض و تهران از دشمنی و رقابت (به دلیل پشتیبانی عربستان از رژیم صدام حسین در جنگ ایران و عراق و حمایت از سیاست‌های ضد ایرانی دولت واشنگتن)، به دوستی و همکاری بیشتر (به دلیل بدتر شدن روابط عربستان با دولت بغداد در پی حمله عراقی‌ها به کویت و نیز فاصله گرفتن از آمریکا پس از آشکار شدن نقش بن لادن در شبکه تروریستی القاعده) تغییر کرد. هم اکنون، با سرنگونی رژیم بعثی‌ها در عراق، ترس رهبران وهابی عربستان از گسترش نفوذ شیعیان در عراق و خاورمیانه، آمادگی نوحافظه‌کاران کاخ سفید برای کمک تسلیحاتی به عربستان برای بهبود جایگاهش در نظام توازن قوای منطقه خلیج فارس برای رقابت با قدرت برتر ایران، بار دگر شاهد تبدیل شدن عربستان به یکی از رقبای منطقه‌ای ایران خواهیم بود. آشکار است که در پی تحولات کم نظیر جهانی بر اثر وقوع رویداد حملات تروریستی به قلمروی آمریکا در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با مشارکت و همدستی اتباع عربستانی و مصری، روابط دوجانبه آمریکا و عربستان سردتر شده و دیدگاه سیاستمداران عربستانی نسبت به همکاری‌های امنیتی نزدیک‌تر با ایران تغییر کرد. نوسانات مشاهده شده در مثلث روابط ایران، آمریکا و عربستان سعودی از زمان وقوع انقلاب

اسلامی تا کنون نشان‌دهنده اهمیت میزان تاثیر سیاست‌های واشنگتن در قبال ایران بر روابط دوجانبه ریاض - تهران است.

مقامات دولت ایران نسبت به تمرین‌ها و مانورهای نظامی دریایی بیگانگان در منطقه با سوژن نگرسته‌اند. در اکتبر ۲۰۰۶، نیروهای امریکایی با همکاری بحرین، کویت، انگلستان و فرانسه اقدام به تمرین‌هایی برای متوقف ساختن و جستجوی کشتی‌های حامل موشک و سلاح‌های کشتار جمعی در نزدیکی بحرین کردند. ایران و بحرین پس از حدود دو سال کاهش در سطح روابط دوجانبه، در ۱۹۹۹ با تبادل سفرا اقدام به عادی سازی روابط خود نمودند. در ۱۹۹۶، بحرین پس از متهم ساختن ایران به توطئه چینی برای سرنگونی دولت منامه به نفع شیعیان بحرینی سفیر خود را فراخوانده و روابط دو کشور همسایه تیره گردیده بود. مقامات وزارت امور خارجه ایران ضمن انتقاد شدیدالحن این‌گونه تمرین‌ها را مخالف هدف برقراری امنیت و ثبات در خلیج فارس خواندند (Iran Condemns, 2006).

در مساله چهارم مربوط به اختلاف اعراب و اسرائیل بر سر اشغال غیر قانونی سرزمین‌های فلسطینیان نیز دولت یهودی در برابر ایران قرار گرفته است. تحولات مثبتی مانند بیرون راندن نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان، تضعیف موضع دولت بیروت در برابر نیروهای حزب الله، موفقیت حماس در انتخابات پیشین فلسطین و افزایش محبوبیت این گروه در بین فلسطینی‌ها موجبات افزایش نفوذ ایران در خاورمیانه را فراهم آورده است. این رویدادها باعث افزایش توانایی ایران برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی اش شده؛ و در بهبود توانایی نظامی گروه‌های زیر ملی متحد ایران برای بازدارندگی تهاجم نظامی اسرائیل علیه نیروگاه بوشهر و سایر مراکز استراتژیک ایران نیز موثر بوده است. اسماعیل هنیه یکی از رهبران حماس و نخست وزیر پیشین فلسطینی در سفر دسامبر ۲۰۰۶ به تهران بیان داشته بود که ایران عمق استراتژیک فلسطینی‌ها است (Iran Condemn, 2006). در واقع، این گروه‌های مبارز را باید عامل مهمی در گسترش بازوی استراتژیک ایران در منطقه معرفی کرد.

## نتیجه

با مطالعه رفتارهای سیاست خارجی و ماهیت روابط متقابل ایران با کنشگران اصلی در پیرامونش به جمع بندی در مورد هفت نکته مهم به شرح زیر می‌رسیم.

۱. در فرآیند سیاستگذاری خارجی، واکنش تصمیم گیران ایرانی تحت تاثیر پندارهای رهبران و نخبه گان سیاسی و نظامی ایران در مورد نظام های منطقه ای و بین المللی که باید نیروهای نظامی کشوری در درون آنها به منظور بازدارندگی حملات دشمن و دفاع از مرز و بوم و جان و مال مردم فعالیت کنند، قرار گرفته است. پرسش این است که آیا ساختار این

نظام‌ها محدودکننده یا تسهیل کننده، دشمنانه یا بی خطر، مشروع یا نامشروع می باشد. با توجه به پویایی محیط امنیتی خاورمیانه، استراتژیست های ایرانی باید به طور همیشگی در حال تعدیل و تغییر راهبردها و تاکتیک‌ها برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده بوده، و حتی در مواردی ناگزیر بوده‌اند اهداف بلند مدت و آرمان‌گرایانه (مانند صدور انقلاب اسلامی، شکست سیاست‌های امپریالیستی امریکا در خاورمیانه و سیاست‌های تفرقه‌انگیز و بی‌ثبات‌کننده صهیونیسم بین‌المللی) را فدای اهداف کوتاه مدت و واقع‌گرایانه (مانند تنش زدایی در روابط خارجی ایران، ارتقا کیفیت زندگی روزمره مردم، و حفظ امنیت نظامی و اجتماعی) نمایند.

۲. شناسایی نوع و میزان شدت تهدیدهای نظامی و غیرنظامی، داخلی یا خارجی برای ملت، دولت و یا هر دو لازم است. در اینجا پرسش این است که آیا ساختار بین‌المللی و منطقه‌ای برای دولت و ملت ایران تهدیدهایی را ایجاد کرده یا نه. به طور نمونه، پیامدهای تهدید نظامی اسرائیل علیه بوشهر و سایر مراکز حساس نظامی و اقتصادی استراتژیک و یا تهدید اقتصادی تحریم‌های اقتصادی سنگین تر امریکا مطرح شده است.

۳. مرحله تنظیم دکترین‌ها و استراتژی‌های نظامی برای مقابله با تهدیدها و فرصت‌ها شامل تصمیم‌گیری رهبران دولتی در مورد سطح نیروها، سیستم‌های تسلیحاتی و آمادگی پرسنل نظامی ایران می شود. با تاکید بر سیاست بازدارندگی حملات و تهاجم نظامی احتمالی دشمنان منطقه‌ای و جهانی خود، ایران اقدام به واردات اسلحه و فن‌آوری نظامی پیشرفته برای صنایع دفاعی داخلی نموده است، اما میزان خریدهای تسلیحاتی و تحمیل نظامی ایران در مقایسه با سایر کشورهای خاورمیانه‌ای در رده میانی قرار داشته است. حتی منتقدین ایران نمی‌توانند رهبران ایرانی را به نظامیگری مطلق و مسبب بروز مسابقات تسلیحاتی منطقه‌ای متهم نمایند. شمار کمی از پر سروصدا ترین مخالفان جمهوری اسلامی، برای توجیه طرفداریشان از سیاست تغییر رژیم، برنامه هسته‌ای ایران را سرآغاز مسابقه جنگ افزارهای کشتار جمعی در خاورمیانه معرفی کرده‌اند بدون توجه به این امر که دولت یهودی نزدیک به چهل سال پیش به اتمی شدن منطقه دامن زد. امروز نیز با زرادخانه اتمی در حال گسترش تنها قدرت اتمی خاورمیانه و دارای ششمین رتبه جهانی از لحاظ کمیت و کیفیت سلاح های اتمی پس از امریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان و چین بشمار می آید. برخی از همسایگان ایران (عربستان و کویت) در زمره متحدان غیررسمی امریکا بوده، و قلمروی خود را در اختیار نیروهای نظامی خارجی مجهز به موشکهای اتمی قرار داده اند. دو سال پیش، عربستان سعودی اعلام کرد که نیازی به اتکا به انرژی اتمی ندارد، و اکنون با همکاری هم‌پیمانانش در شورای همکاری خلیج فارس در صدد است تا موافقت شرکت‌های خارجی را برای ساخت و راه‌اندازی نیروگاه‌های اتمی در عربستان جلب نماید. ترکیه، مصر، اردن نیز در زمره کشورهای



خاورمیانه‌ای خواهان ایجاد مراکز و تاسیسات انرژی هسته‌ای در قلمروی خود می‌باشند. (Eye on Iran, 2007; and Lotfian, 2007) یکی از همسایگان ایران (ترکیه) به دلیل عضویت در ناتو، هم‌پیمان نظامی رسمی امریکا بوده و از معدود کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی است که اجازه استقرار کلاهک‌های اتمی امریکا را در قلمرویش (احتمالاً در پایگاه اینچرلیک) صادر کرده است.

۴. تصمیم‌گیری در مورد چگونگی اعلان رسمی استراتژی‌های نظامی به سایر کشورها اعم از هم‌پیمانان و دشمنان، رقبا و بی‌طرف‌ها در جامعه بین‌الملل گام بعدی را تشکیل می‌دهد. در برخی موارد، دولت‌ها ناگزیرند که استراتژی‌های نظامی خود را به فوریت به اطلاع سایر دولت‌ها برسانند، زیرا برای اجرای آنها نیاز به کمک و پشتیبانی مادی و معنوی هم‌پیمانان و دوستانشان دارند. به‌طور نمونه، دولتی احتمال دارد که مجبور باشد از پایگاه‌های موجود در قلمروی دیگران، و یا اطلاعات گردآوری شده از سوی دستگاه‌های جاسوسی و ضدجاسوسی کشورهای متحدش بهره‌برداری کند. ایران نیز برای مقابله با تروریسم خارجی، مبارزه با قاچاقچیان کالا و مواد مخدر، حفظ امنیت مرزها و بهبود وضعیت محیط امنیت منطقه‌ای به کمک همسایگان و هم‌پیمانانش در خاورمیانه نیاز داشته، و نسبت به شفاف‌سازی استراتژی‌های دفاعی خود با بیانیه‌های رسمی اقداماتی به عمل آورده است.

۵. جلب حمایت احزاب سیاسی، گروه‌های فشار و افکار عمومی مردم ایران و سایر کشورها برای اهداف و سیاست‌های تعیین شده مهم بوده است. در نتیجه، با ایراد سخنرانی‌های رسمی و مصاحبه‌های مطبوعاتی مقامات و رهبران دولت ایران به اطلاع‌رسانی عمومی پرداخته‌اند. بندرت روزی سپری می‌شود بدون این که مواضع و سیاست‌های اعلامی ایران در صدر اخبار رسانه‌های مهم جهان نبوده باشد.

۶. برای اجرای سیاست‌های امنیت ملی، دولت نیاز به توسعه و تخصیص منابع مادی و انسانی لازم بدون آسیب وارد آوردن به فرآیند توسعه اقتصادی-اجتماعی ملی دارد. در ضمن، دولت ایران نیاز دارد تا با ایجاد انگیزه‌ها و نظارت‌های سیاسی بر تشکیلات نظامی از اهداف تعیین شده خود پاسداری کند. در نتیجه، اختلاف نظرهای آشکاری بین احزاب و گروه‌های سیاسی واقع‌گرا و آرمان‌گرای ایرانی بر سر یافتن مطلوب‌ترین راه‌های مقابله با مسایل سیاست خارجی بوجود آمده است. روش مدیریتی و ویژگی‌های فردی رییس جمهور و اعضای کابینه وی در اولویت‌بندی اهداف و تعیین ابزار مناسب سیاست خارجی برای رسیدن به آن اهداف تاثیر آشکار داشته است. اما در هر حال باید نتیجه گرفت که در فرآیند سیاست‌گذاری و در تعیین رفتار سیاست خارجی واقع‌گرایی (و نوعی عمل‌گرایی) برای "مصلحت نظام" جمهوری اسلامی بر آرمان‌گرایی چیره شده است.

۷. برای موفقیت سیاست خارجی خود در برخی موارد دولت جمهوری اسلامی ایران مانند بسیاری از دولت‌های دیگر ناگزیر است که نه تنها با هم پیمانان خود بلکه با رقبای و دشمنانش نیز وارد مذاکره شده تا از راه مسالمت آمیز مسایلی مورد اختلاف خود را حل و فصل نماید.<sup>۱</sup> در کل، هرچه دولتی بر متحدان خارجی و به ویژه قدرت‌های بزرگ وابسته‌تر باشد، از آزادی عمل کمتری برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود برخوردار خواهد بود. با وجود این، اگر حمایت خارجی برای بقای رژیم لازم بشمار آید، رهبران و نخبگان سیاسی برای برخورداری از کمک‌های مادی و معنوی دوستان قدرتمند خارجی خود آماده اعطای امتیازهای باورنکردنی (مانند محدودیت شدید آزادی عمل، حق استفاده نامحدود بیگانگان از پایگاه‌ها و مراکز استراتژیک کشور، حق بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی و ملی و غیره) خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران که موجودیت خود را با شعار "نه شرقی، نه غربی" اعلام کرد، در تلاش بوده تا از هر نوع وابستگی خارجی یک سویه حتی به قیمت کندتر شدن سرعت حرکت به سوی توسعه یافتگی صنعتی و همگرایی جهانی و منطقه‌ای بپرهیزد. به رغم تاریخ امپریالیسم روس‌ها و تلاش‌های پیشین برای تجزیه و تصاحب قلمرو ایرانی، رابطه روسیه با ایران پس از انقلاب دوستانه بوده است. برخلاف انتظار از آرمانگرایی اصول‌گرایان اسلامی (که به کمک مسلمانان به مسلمانان علیه غیرمسلمانان متعارض و دشمن تاکید داشته)، جنگ روس‌ها علیه مسلمانان در افغانستان و چین بر روابط دوجانبه دو کشور همسایه (هم مرز در دریای خزر) سایه نیفتد. دلیل نزدیکی ایران به شوروی و سپس روسیه را باید در نیاز واقع‌گرایانه ایران به فن‌آوری نظامی پیشرفته برای مبارزه با دشمنان سرسخت جمهوری اسلامی ایران جستجو کرد. در پی جنگ ایران و عراق، از روی ناچاری و نه بر اساس بهترین انتخاب، مسکو به یکی از مهم‌ترین فراهم‌آوران تسلیحات برای ایران تبدیل شد. در آغاز، موشک و فن‌آوری تولید موشک اسکاد از سوریه و لیبی به ایران فرستاده شدند. در مرحله بعدی، چین و کره شمالی بخشی از نیازهای تسلیحاتی نیروهای نظامی ایرانی را تامین کردند (Byman and others, 2001, p. 59). هم اکنون، ایران به دلیل تداوم تحریم‌های امریکا و متحدان غربی‌اش ناگزیر است که جنگ‌افزارها و فن‌آوری نظامی پیشرفته مورد نیاز خود را از روسیه خریداری نماید. از دیدگاه برخی از سیاستگذاران و مجریان سیاست خارجی ایران، شعار سر در ساختمان وزارت امور خارجه بهتر است به "گاهی شرقی، نه غربی" تبدیل شود. تا چه حد و تا چه زمانی ایران می‌تواند به سیاست استقلال‌طلبانه خود ادامه دهد بستگی به

۱- به طور نمونه، ایران در ۷ خرداد ۱۳۸۶ مذاکراتی را با مقامات امریکایی با حضور مسولان دولت بغداد برای حل مساله ناامنی عراق آغاز کرد. دور دوم این مذاکرات در تیر ماه انجام شد.

تحولات ملی (مانند انسجام و اتحاد گروه‌های سیاسی در داخل کشور)، منطقه‌ای (مانند تغییر مواضع متحدانی همچون سوریه و حماس)، و بین‌المللی (مانند تنش در روابط روسیه و امریکا منجر شده به جنگ سرد دیگر) دارد.

## نمودار ۱

گلچینی از پرسش‌های پژوهشی مهم در تحلیل رفتار سیاست خارجی ایران در قبال خاورمیانه و پیامدهای آنها

اهداف پژوهشی	پرسش‌های پژوهشی
الف: تعیین اهداف و اولویت بندی بر مبنای اهمیت و فوریت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• آیا ایران خط مشی ثابتی را دنبال کرده است؟</li> <li>• تاثیر تغییر رژیم بر سیاست خارجی چه بود؟</li> <li>• دیدگاه‌ها و نظرات کلی مردم نسبت به مسائل مهم سیاست خارجی چیست؟</li> <li>• چه مسائلی در منطقه برای سیاستگذاران ایرانی با اهمیت تر تلقی می‌شوند؟</li> <li>• با توجه به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چه تغییراتی باید در سیاست خارجی کشور در قبال منطقه خاورمیانه ایجاد شود تا حصول اهداف سیاست خارجی میسر گردد؟</li> </ul>
ب: شناسایی و برآورد تاثیر عوامل مهم تاثیرگذار	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مهم ترین مسائل سیاست خارجی ایران در خاورمیانه چیست؟</li> <li>• آیا بعد اقتصادی از ابعاد سیاسی-امنیتی این مسائل با اهمیت تر است؟</li> <li>• چه عوامل خارجی در سطح منطقه ای و نظام بین‌المللی بر سیاست خارجی ایران تاثیر دارند؟</li> <li>• شاخص‌های تعیین کننده جایگاه قدرت نسبی ایران در منطقه چیست؟</li> </ul> <p>۱- توانایی اقتصادی ایران:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- چند درصد از منابع نفت و گاز خاورمیانه و جهان در اختیار ایران است؟</li> <li>- تا چه حد ایران بر خطوط لوله نفت و گاز و راه‌های استراتژیک انتقال این منابع انرژی از خاورمیانه به خارج تسلط دارد؟</li> </ul>

<p>- اهمیت اقتصادی ایران برای منطقه چیست؟</p> <p>- تا چه حد ایران بر نهادهای همکاری تجاری منطقه ای نفوذ دارد؟</p> <p>- اهمیت اقتصادی منطقه برای ایران چیست؟</p> <p>۲- توانایی نظامی ایران:</p> <p>- چند درصد از منابع انسانی منطقه در ایران قرار دارد؟</p> <p>- تا چه حد نیروهای نظامی ایران در منطقه نفوذ دارند؟</p> <p>- قدرت نظامی ایران از لحاظ دارا بودن تسلیحات پیشرفته در مقایسه با سایر کشورهای خاورمیانه در چه سطحی قرار دارد؟</p> <p>- جایگاه نظامی ایران در سیستم امنیت منطقه ای چیست؟</p> <p>۳- توانایی سیاسی ایران:</p> <p>- ماهیت روابط دیپلماتیک ایران در خاورمیانه چیست؟</p> <p>- پرستیژ ایران در محافل سیاسی خاورمیانه در چه حد است؟</p> <p>- آیا بازیگران مهم منطقه ای در زمره هم پیمانان رسمی ایران در خاورمیانه هستند؟ دلایل این اتحادها چیست؟</p> <p>- آیا بازیگران مهم منطقه ای از رقبای دشمنان ایران بشمار می آیند؟ دلایل این رقابت ها و دشمنی ها چیست؟</p> <p>۴- توانایی اجتماعی - فرهنگی ایران:</p> <p>- ماهیت روابط فرهنگی ایران در خاورمیانه چیست؟ شمار گردشگران منطقه ای، دانشجویان خاورمیانه ای در ایران، نفوذ رسانه های جمعی ایران در خاورمیانه چیست؟</p> <p>- دیدگاه مردم خاورمیانه نسبت به ایران چیست؟</p>	
<p>ایران از چه ابزارهایی برای رویارویی با مسائل سیاست خارجی خود استفاده کرده است؟</p>	<p>پ: ابزار و راه حل ها</p>

منبع: سعیده لطفیان، سیاست خارجی دولت خاتمی، طرح پژوهشی اجرا شده در مرکز مطالعات خاورمیانه، کالج سن آنتونی، دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۳-۲۰۰۴، ص ۱۲.



## نمودار ۳

رتبه‌بندی مسائل مهم سیاست خاورمیانه‌ای ایران بر اساس اهمیت نسبی و نوع ارزش‌ها

اهمیت آشکار	اهمیت ناآشکار	
<p>امنیت منابع استراتژیک (امنیت چاه‌های نفت و خطوط انتقال نفت و گاز؛ تهدید نظامی علیه نیروگاه بوشهر و سایر مراکز اتمی)</p> <p>مقابله با تروریسم بین‌المللی ضد ایرانی</p>	<p>بقای رژیم (تهدید نظامی امریکا، حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس و در سایر نقاط پیرامونی کشور)</p> <p>حفظ قلمرو و تمامیت ارضی (تهدید نظامی علیه جزایر ایرانی در خلیج فارس، امنیت مناطق مرزی)</p>	اهمیت نسبی بیشتر
<p>تقسیم منابع مشترک در خلیج فارس و دریای خزر</p> <p>گسترش روابط تجاری (دوجانبه و چند جانبه در چارچوب اکو و سایر نهادهای منطقه‌ای) با همسایگان</p> <p>رفتار با اتباع ایرانی در منطقه همبستگی اسلامی و رفتار با مسلمانان</p>	<p>هویت (حفظ نام خلیج فارس، مقابله با تهاجم فرهنگی)</p> <p>افزایش نفوذ ایران در منطقه (جلوگیری از تجزیه عراق و مساله کردها، رویارویی با ناامنی افغانستان و حضور القاعده در این کشور، کمک به حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی)</p>	اهمیت نسبی کمتر

## نمودار ۴

جایگاه و نقش ایران در مهم‌ترین مسایل جاری مورد اختلاف در خاورمیانه، ۱۳۸۷

مساله چهار اختلاف فلسطین و اسرائیل	مساله سه نیروهای خارجی و آینده عراق	مساله دو تروریسم بین- المللی	مساله یک برنامه هسته‌ای ایران
مرکز نظام فرعی:	مرکز نظام فرعی:	مرکز نظام فرعی:	مرکز نظام فرعی:
۱- فلسطین	۱- عراق	۱- امریکا	۱. ایران
۲- اسرائیل	۲- امریکا	۲- القاعده	۲- امریکا
۳- امریکا	۳- انگلستان	۳- عراق	۳- روسیه
۴- حماس	۴- ایران	۴- افغانستان	۴- اتحادیه اروپا
۵- جهاد اسلامی و سایر گروه‌ها	۵- ترکیه	۵- پاکستان	۵- اسرائیل
۶- مصر	۸- سوریه	۶- انگلستان	۶- سازمان ملل
۷- اردن	۹- اردن	۷- ایران	
۸- سوریه	۱۰- کویت	۸- عربستان	
۹- سازمان ملل	۱۱- عربستان	۹- اسرائیل	
۱۰- لبنان	۱۲- القاعده	۱۰- سوریه	
۱۱- ایران	۱۳- بعضی‌ها	۱۱- مصر	
۱۲- حزب‌الله	۱۴- اسرائیل	۱۲- اردن	
پیرامون نظام فرعی:	پیرامون نظام فرعی:	پیرامون نظام فرعی:	پیرامون نظام فرعی:
۱۳- اتحادیه اروپا	۱۵- امارات	۱۳- سازمان ملل	۷- اتحادیه عرب
۱۴- سازمان کنفرانس اسلامی	۱۶- بحرین	۱۴- اتحادیه اروپا	۸- شورای همکاری خلیج فارس
۱۵- روسیه	۱۷- قطر	۱۵- ناتو	۹- چین
۱۶- عربستان ۱۷- قطر	۱۸- عمان	۱۶- اتحادیه عرب	۱۰- کره شمالی
۱۸- القاعده	۱۹- ناتو	۱۷- منافقین در عراق	۱۱- پاکستان
۱۹- ترکیه	۲۰- اتحادیه اروپا	۱۸- پی ک ک در ترکیه	۱۲- مصر
۲۰- عراق	۲۱- اتحادیه عرب	۱۹- روسیه	۱۳- ترکیه
		۲۰- ازبکستان	۱۴- اردن
			۱۵- آذربایجان
			۱۶- عراق

## منابع و مآخذ:

- 1- Baker, James A. III, Lee H. Hamilton and others, *The Iraq Study Group Report*, New York: Vintage Books, 2006.
- 4- Burrough, Anna. "Cuba after Castro," *AssociatedContent*, 5 September 2006. Available at [http://www.associatedcontent.com/article/50036/cuba\\_after\\_castro.html](http://www.associatedcontent.com/article/50036/cuba_after_castro.html)
- 5- Byman, Daniel, Shahram Chubin, Anoushirvan Ehteshami and Jerrold Green. *Iran's Security Policy in the Post-Revolutionary Era*, Santa Monica: National Defense Research Institute, RAND, 2001.
- 6- Callahan, Patrick and et. al., eds. *Describing Foreign Policy Behavior*, Beverly Hills and London: Sage, 1982.
- 7- "Castro Charges CIA more Murderous than Ever," *Reuters*, 1 July 2007.
- 8- Chubin, Shahram. *Iran's National Security Policy: Capabilities, Intentions and Impact*, Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace, 1994.
- 9- "CIA Recruited Mobsters to Kill Castro in 1960, According to Declassified Documents," *Associated Press*, 26 June 2007.
- 10- Ehteshami, Anoushirvan. "The Foreign Policy of Iran," in Raymond Hinnebusch and Anoushirvan Ehteshami, eds. *The Foreign Policies of Middle East States*, London: Lynne Reinner, 2002.
- 11- El-Shazly, Nadia and Raymind Hinnebusch. "The Challenge of Security in the Post- [Persian] Gulf War Middle East System," in Raymond Hinnebusch and Anoushirvan Ehteshami, eds. *The Foreign Policies of Middle East States*, London: Lynne Reinner, 2002.
- 12- "Eye on Iran, Rivals Pursuing Nuke Power," *IranMania*, 15 April 2007.
- 13- "Fidel Castro's Reign Finally Ends," *Agence France-Presse (AFP)*, 20 February 2008.
- 14- Fuller, Graham E. "Strategic Fatigue," *National Interest*, Summer 2006, p. 17.
- 15- Garst, Daniel. "Thucydides and Neo-Realism," *International Studies Quarterly*, 33, March 1989, pp. 3-28.
- 16- Gause, F. Gregory III. "The Foreign Policy of Saudi Arabia," in Raymond Hinnebusch and Anoushirvan Ehteshami, eds. *The Foreign Policies of Middle East States*, London: Lynne Reinner, 2002.
- 17- Iran Complains to UN Security Council over Sneh comments," *Haaretz*, 11 November 2006. <http://www.haaretz.com/hasen/spages/786439.html>
- 18- "Iran condemns US Gulf exercises," *BBC News*, 24 October 2006. Available at [http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/6080204.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/6080204.stm)
- 19- "Iran President Ahmadinejad to visit UAE, Oman," *IranMania*, Tuesday, 8 May 2007.
- 10- "Iran Reimposes Entry Visas on [Persian] Gulf Arabs," *BBC News*, 19 January 2002.
- 11- "Iran's Ahmadinejad in UAE Talks," *BBC New*, 13 May 2007.
- 12- "Iran, Saudi Arabia Sign Security Pact," *BBC New*, 17 April 2001.
- 13- "Iran Wargame Aimed at Warning Shot to US Allies," *IranMania*, 30 November 2006.
- 14- "Iran will Hit Israel N-reactor if Attacked," *Khaleej Times*, 19 August 2004.



- 15- "Israel Threatens to Attack Iran," *Dawn*, 30 September 2004. <http://www.dawn.com/2004/09/30/top17.htm>
- 16- Jones, Curtis. "The American Burden of Hegemony in the Middle East," *American Diplomacy*, 10 December 2001.
- 17- Karsh, Efraim. "Changes in Iran's Strategic Posture," *Strategic Assessment*, 9, 4, March 2007, p. 1.
- 18- Hoffman, David. "Bush and Gorbachev Hail New Cooperation," *Washington Post*, 4 December 1989.
- 19- Kent, George. "Perceptions of Foreign Policies: Middle East," in Walter Wolpert and Julian Isard, *The Middle East: Some Basic Issues and Alternatives*, Cambridge, Mass: Schenkman Publishers, 1972.
- 20- Klingberg, Frank L. "Cyclical Trends in Foreign Policy Revisited," *International Studies Notes*, 15, 2, Spring 1990, p. 55.
- 21- Kristol, William. "It's Our War: Bush should go to Jerusalem- and the U.S. should confront Iran," *Weekly Standard*, 11, 42, 7 July 2006.
- 22- Lasswell, Harold. 1950, cited in Sara McLaughlin Mitchell, Thomas E. Sowers II, Paul R. Hensel and Clayton L. Thyne, "*Bones of Contention: Comparing Territorial, Maritime, and River Issues*," Paper presented at the Annual Meeting of the American Political Science Association, Philadelphia, 31 August 2006.
- 23- Lotfian, Saideh. "Nuclearization of the Middle East: From Threat to Preventive Action," *IPPNW*, April 2007.
- 24- Majidova, N. "Ecological Genocide: Russian Radar Causes Ecological Problems," *Baku Zerkalo*, 6 June 1998. Available at <http://www.fas.org/news/russia/1998/fbten06111998001258.htm>
- 25- Mamedov, Jasur. "Azeris Angry at Putin Radar Offer," *Institute for War and Peace*, 14 June 2007.
- 26- Maslow, Abraham. *Motivation and Personality*, New York: Harper, 1954.
- 27- Mastanduno, Michael; David Lake, and John Ikenberry, "Toward a Realist Theory of State Action," *International Studies Quarterly*, 33, December 1989, pp. 457-474.
- 28- Morris, Mary E. *The Persistence of External Interest in the Middle East*, Santa Monica: Rand, 1993.
- 29- Muir, Jim. "Khatami Concludes Historic [Persian] Gulf Tour," *BBC News*, 20 May 1999.
- 30- Pearson, Fredric. "Interaction in an International Political Subsystem: the Middle East, 1963-1964," in Walter Wolpert and Julian Isard, *The Middle East: Some Basic Issues and Alternatives*, Cambridge, Massachusetts: Schenkman Publishers, 1972.
- 31- Potter, William C. "Issue Area and Foreign Policy Analysis," *International Organization*, 34, 3, Summer 1980, pp. 405-427.
- 32- "Rafsanjani off on "Highly Significant" Visit to Saudi," *BBC News*, 21 February 1998.
- 34- Rose, Gideon. "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy-Review Articles," *World Politics*, 51, October 1998, pp. 144-172.
- 35- Rosenau, James. "Pre-Theories and Theories of Foreign Policy," in James N. Rosenau, ed., *The Scientific Study of Foreign Policy*, New York: Free Press, 1971.
- 36- "Saudi Arabia Snubs Iran Security Pact," *BBC News*, 26 April 2000.

- 37- Schrod, Philip A. and Deborah J. Gerner, "Empirical Indicators of Crisis Phase in the Middle East, 1979-1995," *Journal of Conflict Resolution*, 41, 4, August 1997, pp. 520-552.
- 38- Schroeder, Paul. "Historical Reality versus Neorealist Theory," *International Security*, 19, Summer 1994, pp. 108-48.
- 39- Singer, J. David. "The Level of Analysis Problem in International Relations," in James N. Rosenau, *International Politics and Foreign Policy*, 1969. Also published in Klaus Knorr and Sidney Verba, eds., *The International System*, Princeton, NJ: Princeton University Press, 1966.
- 41- "UAE Slams Iran over [Persian] 'Gulf Tension'," *BBC News*, 11 September 1999.
- 42- Wohlforth, William. "Realism and the End of the Cold War," *International Security*, 19, Winter 1994/95, pp. 91-129.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«شاخص‌های توسعه: برآوردهایی برای خاورمیانه»، سال ۷۲، شماره ۲۹؛ «جایگاه کشورهای کوچک و سرزمین‌های وابسته در سیستم بین‌المللی: دهه ۱۹۹۰»، سال ۷۳، شماره ۳۱؛ «صنایع نظامی در جهان سوم»، سال ۷۴، شماره ۳۴؛ «نظریه‌های مختلف تداول تسلیحات اتمی: بازدارندگی، باج‌گیری هسته‌ای و جنگ اتمی»، سال ۷۶، شماره ۳۶؛ «جهان شمولی برآمده از جزءها: دیدگاه‌های اسلامی نسبت به انسان و اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد»، سال ۷۶، شماره ۳۷؛ «گزارش کنفرانس بین‌المللی علوم و امور بین‌الملل»، سال ۷۷، شماره ۴۱؛ «آینده شهرهای اتمی و طرح بازسازی نظامی روسیه»، سال ۷۸، شماره ۴۶؛ «گزارش کنفرانس پاگواش»، سال ۷۹، شماره ۵۰؛ «پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه»، سال ۸۵، شماره ۷۱؛ «امنیت در برابر آزادی‌های فردی تحلیل هزینه‌ها و منافع سیاست ضد تروریسم دولت بوش»، سال ۸۷، شماره ۴؛ «گزارش همایش بین‌المللی (چشم‌انداز خلع سلاح، گفتگو، همکاری، و ثبات در منطقه مدیترانه) ۲۹ مهر - ۵ آبان ۱۳۸۶ (اکتبر ۲۰۰۷) باری، ایتالیا»، سال ۸۷، شماره ۲.